

and its Examples in Jurisprudential Investigation of Corrupt on Earth Economic Crimes

Mohammad Mehdi Rahimi¹, Seyyed Mehdi Mansouri^{2*}, Kamal Khajepoor³

1. Ph.D. student of criminal law and criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Maaref, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 47-64

Article history:

Received: 25 Sep 2021

Edition: 5 Dec 2022

Accepted: 15 Feb 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Corrupt on Earth, Economic Crimes, Disruption of Economic Order, Major Disruption, Widespread Corruption

Corresponding Author:

Seyyed Mehdi Mansouri

Address:

Iran, Yazd, Islamic Azad University, Yazd, Yazd Branch, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0000-0001-9018-754x

Tel:

09133524668

Email:

Danesh.jaza@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Economic crimes are one of the important issues of today's Iranian society, which have many destructive economic and social effects. In this article, an attempt has been made to investigate the legal jurisprudence of Corrupt on Earth and its examples in economic crimes.

Materials and Methods: This paper is descriptive and analytical and library method is used.

Ethical Considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Results: The findings showed that Corrupt on Earth is a crime independent of mahariyyah from a jurisprudential and legal point of view, which can have different examples. The most important characteristic of Corrupt on Earth is the creation of widespread corruption and severe disruption of public order, which is simply not possible to determine examples in the field of economic crimes. The most important law of the country regarding economic crimes, that is, the law on punishing those who disrupt the economic system, lacks the necessary transparency.

Conclusion: The presence of vague concepts such as major and macro disturbance without the criteria and extent being clear causes different interpretations and possibly issuing conflicting opinions. It is necessary to clearly define what the legislator means by major and large-scale disturbance and to determine how much is considered major and large-scale in the law of combating economic disruptors, so that it can be considered as corruption in economic crimes.

Cite this article as:

Rahimi M M, Mansouri S M, Khajepoor K. *Jurisprudential Investigation of Corrupt on Earth and its Examples in Economic Crimes*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بررسی فقهی حقوقی افساد فی الارض و مصادیق آن در جرائم اقتصادی

محمد مهدی رحیمی^۱، سید مهدی منصوری^۲، کمال خواجه پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

۳. استادیار گروه معارف، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرایم اقتصادی یکی از مسائل مهم جامعه امروز ایران است که آثار مخرب اقتصادی اجتماعی زیادی به دنبال دارد. در این مقاله تلاش شده به بررسی فقهی حقوقی افساد فی الارض و مصادیق آن در جرائم اقتصادی پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که افساد فی الارض از منظر فقهی و حقوقی جرمی مستقل از محاربه است که می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. مهمترین مشخصه افساد فی الارض، ایجاد افساد در سطح گسترده و اخلال شدید در نظم عمومی است که تعیین مصادیق آن در حیطه جرایم اقتصادی به سادگی امکان پذیر نیست. مهمترین قانون کشور در خصوص جرایم اقتصادی، یعنی قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی فاقد شفافیت لازم است.

نتیجه: وجود مفاهیم مبهمی چون اخلال عمده و کلان بدون اینکه معیار و میزان آن مشخص باشد باعث تفاسیر گوناگون و احیانا صدور آراء متضاد می‌گردد. لازم است منظور قانون‌گذار از اخلال عمده و کلان دقیقا مشخص و تعیین شود که چه میزان در قانون مبارزه با اخلاک‌گران اقتصادی، عمده و کلان حساب می‌شود که بتوان قائل به افساد فی الارض در جرایم اقتصادی شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۴-۴۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

افساد فی الارض، جرائم اقتصادی، اخلال در نظم اقتصادی، اخلال عمده، فساد گسترده.

نویسنده مسئول:

سید مهدی منصوری

آدرس پستی:

ایران، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی.

تلفن:

09133524668

کد ارکید:

0000-0003-0131-8355

پست الکترونیک:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۱. مقدمه

اقتصاد نبض تپنده و قدرت هر جامعه است، به گونه‌ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه‌های نظام اقتصادی قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند و به عبارتی هر کشوری با روی آوردن به اقتصاد محکم و استوار می‌تواند در جهت دستیابی به یک نظام با صلابت تبدیل گردد. جرم اقتصادی یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنت‌ها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون بیش از پیش موجب نگرانی شده است. آنچه امروزه به جرم اقتصادی مشهور است متضمن لطمه شدید به نظام هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل‌ونقل و پول است و یا به عبارتی اخلاق در نظام اقتصادی کشور شامل مجموعه اقداماتی است که هر کدام از آن‌ها به تنهایی برای به هم زدن جریان طبیعی و سالم زندگی جامعه کافی است. دلایل نگرانی‌های دولت‌ها در مبارزه و پیشگیری از جرائم اقتصادی ویژگی‌های مرتکبین این جرائم به لحاظ موقعیت اجتماعی، سیاسی، مالی آنان و آثار و نتایج زیان بار این جرائم در برنامه رو به رشد اقتصادی و سلب اعتماد عمومی در سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه اقتصادی کشورها است. این نکته باعث گردیده است که برای جرم اقتصادی قوانین و مقررات و مجازات‌های متعددی در سطح بین‌المللی و ملی کشورهای مختلف وضع گردد.

اهمیت تحقیق درباره سیاست‌های جنایی در حقوق اقتصادی و مفاسدی که نظام اقتصادی را دچار بحران و اختلال می‌نماید بالأخص در دوران

کنونی برای همه دانش پژوهان مهم و ضروری است چرا که استحکام تمام بنیان‌ها، سیستم‌ها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر اقتصاد کشور استوار می‌گردد به عبارت دیگر ثبات نظام‌های اجتماعی و سیاسی بر پایه اقتصاد کشور متکی است و جرائم اقتصادی، تهدیدکننده ثبات نظام اقتصادی و اجتماعی است. جرائم اقتصادی عملاً فعالیت‌های تجاری و اقتصادی را با مشکلات و دشواری مواجه کرده و عواقب سوئی در پی دارد. این جرائم امروزه گسترش فراوانی پیدا کرده‌اند باعث تضعیف امنیت اقتصادی، بی‌ثباتی در کشور، اخلاق در سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی افزایش هزینه‌های معاملات تجاری تأثیر بر فقر و افزایش آن، گسترش ناامیدی در بین فعالان اقتصادی زوال اخلاق فردی و اجتماعی و سقوط جامعه و حساسیت افکار عمومی شده است. در چنین شرایطی وجود قوانین کارآمد نقش تعیین‌کننده‌ای در مقابله با جرائم و بی‌ثباتی ناشی از جرائم اقتصادی دارد. یکی از رویکردهای سیاست جنایی در مقابله با جرائم اقتصادی مجازات مجرمین است. پیرو چنین دیدگاهی بحث تلقی جرائم اقتصادی به عنوان یکی از مصادیق افساد فی‌الارض از موضوعات محل بحث و نظر است.

در خصوص جرائم اقتصادی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سید محمود میرخلیلی و مسعود حیدری، در مقاله‌ای به بررسی مبانی فقهی اعدام مجرمان اقتصادی پرداخته‌اند (میرخلیلی؛ حیدری، ۱۳۹۸). سینا نجفی نیز در مقاله‌ای، رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور را بررسی کرده است (نجفی، ۱۳۹۸). همچنین مهدی شعبانی؛ حسن حاجی تبار، مهدی اسماعیلی در مقاله‌ای، جرائم اقتصادی در

گسترده و اخلاص شدید در نظم عمومی است که تعیین مصادیق آن در حیطه جرایم اقتصادی به سادگی امکان پذیر نیست. مهمترین قانون کشور در خصوص جرایم اقتصادی، یعنی قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی فاقد شفافیت لازم است.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۵-۱. مفهوم جرائم اقتصادی

جرم یک پدیده چند وجهی است، علاوه بر اینکه در جرم شناسی مورد بررسی قرار گرفته، همواره مورد توجه جامعه شناسان، روان شناسان، حقوق دانان و اقتصادپژوهان نیز بوده است. اقتصاد و امور مادی همیشه در زندگی بشر، حتی زمانی که به زندگی اجتماعی روی نیآورده بود رکن اساسی محسوب می شده است، لیکن امروزه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و خارج شدن جوامع از مراحل ابتدایی و برقراری روابط گسترده انسان ها، اقتصاد جهش خیره کننده ای داشته و جلوه گری خاصی در جوامع پیدا کرده است. به میزان رشد اقتصاد و گسترش و پیچیدگی روابط انسان ها، جرائم اقتصادی هم با افزایش فزاینده ای روبرو شده و از سوی دیگر عملیات اجرایی آن از هم پیچیدگی خاصی برخوردار می باشد، لذا واکنش به آن باید با اتخاذ تدابیر لازم و اعمال سیاست جنایی شایسته توأم گردد. اشکال مختلف و جدید اقداماتی که موجبات فساد اقتصادی را در جامعه فراهم می کند و مردم را از نظر اقتصادی در تنگنا قرار داده و برخی از این اعمال، امنیت اجتماعی را به مخاطره می اندازد، قانون گذاران کشورهای جهان را به حرکت سریع در جهت جرم

فقه، قوانین ایران و اسناد اروپایی را مورد بررسی قرار داده اند (شعبانی؛ حاجی تبار؛ اسماعیلی، ۱۴۰۱). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی حقوقی افساد فی الارض و مصادیق آن در جرائم اقتصادی پرداخته شود و نوآوری مقاله به همین امر بر می گردد. سوال مقاله به این شکل قابل طرح است که افساد فی الارض از منظر فقهی و حقوقی چگونه قابل تبیین است و آیا اساساً امکان تلقی جرائم اقتصادی در قالب افساد فی الارض وجود دارد؟ فرضیه مقاله نیز این است که «در فقه چندان به افساد فی الارض پرداخته نشده و در حقوق موضوعه نیز هرچند مصادیق جرائم اقتصادی موضوع افساد فی الارض مشخص شده اما معیار دقیقی تعیین نشده و ابهام وجود دارد». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا، مفهوم جرائم اقتصادی بررسی شده، سپس به بررسی فقهی حقوقی افساد فی الارض پرداخته شده و در ادامه از امکان تلقی جرائم اقتصادی بحث شده است.

۲. مواد و روش ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته ها

یافته ها نشان داد که افساد فی الارض از منظر فقهی و حقوقی جرمی مستقل از محاربه است که می تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. مهمترین مشخصه افساد فی الارض، ایجاد افساد در سطح

انگاری نسبت به این اعمال سوق داده و آنان را وادار به تصویب مقرراتی که مانع وقوع این اعمال شود می‌نماید (گلدوزیان، ۱۳۸۷، ۳۴). جرم اقتصادی یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنت‌ها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون بیش‌ازپیش موجب نگرانی شده است (صمدی، ۱۳۸۹، ۷۳). هرچند تعریف روشنی از جرائم اقتصادی وجود ندارد، اما «جرائم اقتصادی در اصطلاح عبارت‌اند از: جرائمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد» (رحمتی، ۱۳۹۴، ۲۵۱).

می‌توان گفت، فعالیت‌های تجاری برای به دست آوردن مزیت‌های اقتصادی، از طریق فعالیت علیه اقتصاد کشور جرائم اقتصادی محسوب می‌شود. برای مثال صدور چک بلامحل، پول‌شویی، تدلیس و اختلاس از اموال شرکت‌ها و اموال خصوصی، قیمت‌شکنی، تقلب در تولید، جرائم یقه‌سفیدها، تقلب در اموال دولتی، رشاء و ارتشاء، ازجمله مصادیق جرائم اقتصادی هستند.

۵-۲. افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق

در این قسمت به بررسی افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. افساد فی الارض از منظر فقه

فساد در لغت، به معنای تباهی، ویرانی، نابودی، فتنه، آشوب، کینه، دشمنی، ستم و پوسیدگی

است (عمید، ۱۳۶۷، ۴۵۶). فساد در زبان عربی این‌گونه تعریف شده است: «فساد، خارج شدن شیء از حالت اعتدال است؛ کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن صلاح است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۳۶). فساد در نفس، بدن و چیزهایی که از اعتدال خارج می‌شوند؛ کاربرد دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ۳۵). اهل لغت، فساد را در مقابل صلاح و افساد در مقابل اصلاح قرار داده‌اند. افساد، یعنی پدید آوردن تباهی و نابسامانی (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۱۷۴) و اصلاح یعنی سامان بخشی و زدودن فساد و تباهی. از آنجا که اشیاء با اضرار خود بهتر شناخته می‌شوند؛ برای درک مناسب‌تر مفهوم فساد، معنای صلاح را نیز اختصاراً بیان می‌شود. صلاح، ضد فساد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۸۹). «برحسب ظاهر در هیچ یک از کتب فقهی بحث مستقلی تحت عنوان افساد فی الارض آورده نشده است» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ۳۱۹). «منتها، با توجه به تمام موضوع بودن مفسد فی الارض در آیه ۳۳ سوره مائده باید گفت که افساد فی الارض در اصطلاح هر نوع اعمالی است که عرفاً از مصداق افساد شمرده شده و منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود هرچند بدون توسل به اسلحه باشد مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند که در این صورت مجازات مذکور در آیه برای آن‌ها جایز است» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۶، ۸۲).

فقها در خصوص فساد فی الارض اختلاف نظر دارند. مطابق یک دیدگاه، محاربه و افساد فی الارض دو جرم مستقل هستند (حلی، ۱۳۶۸، ۲۶۱). بر این اساس، افساد فی الارض و محاربه دو تأسیس مجزا می‌باشند و افساد فی الارض تمامی گناهیانی را که دارای مفسده عمومی می‌باشند از

جمله محاربه که به نوعی روشن‌ترین مصداق و کامل‌ترین آن است را شامل می‌شود. مستند استدلال مورد اشاره، آیه ۳۲ سوره مائده است که می‌فرماید: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ؛ بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هرآینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.» «مطابق با مضمون این آیه، خداوند به خاطر اینکه قابیل هابیل را به قتل رسانید بر بنی‌اسرائیل نوشت هر کس که دیگری را به صورت ناحق و بدون آن‌که مرتکب فساد در زمین شود به قتل رساند مانند آن است که همه مردم را کشته است و هرکس نفسی را احیاء نماید مانند آن است که همه مردم را احیاء کرده است. مفهوم این آیه آن است که اگر کسی شخصی را بکشد که دیگری را کشته است و یا فساد در زمین مرتکب شده است مانند آن نیست که همه مردم را کشته باشد پس طبق مفهوم این آیه دو دسته را می‌توان کشت یک دسته افرادی هستند، که قتل نفس-مرتکب شده‌اند و دسته دیگر افرادی هستند که در زمین مرتکب فساد شده‌اند لذا در این آیه شریفه عنوان محاربه به عنوان موضوع قرار نگرفت بلکه خداوند تبارک و تعالی عنوان افساد

فی الارض را به کار می‌برد و محاربه تحت این عنوان قرار می‌گیرد و عناوین دیگری نیز همچون زنای محصنه یا زنای به عنف حکمش قتل است که این مشروعیت قتل تحت دایره افساد فی الارض قرار دارد، در نتیجه یک موضوع به عنوان افساد فی الارض داریم که جامع همه قتل‌های مشروع است. بر این اساس این آیه می‌تواند قرینه شود بر اینکه در آیه ۳۳ سوره مائده موضوع افساد فی الارض است و محاربه تنها به عنوان یکی از مصادیق بارز و اکمل افراد آن در نظر گرفته می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲، ج ۳، ۳۱۸). مطابق دیدگاه دیگر، افساد فی الارض با محاربه حکم واحد دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۳۰۳). «پذیرفتن هر یک از این دو تفسیر آثار و تبعات متفاوت مهمی را به همراه دارد پذیرفتن نظریه اول مقتضی آن است که اجرای یکی از این حدود چهارگانه بر مفسد فی الارضی جاری‌ست که تحت عنوان محارب قرار گیرد در حالی که بنابر پذیرفتن نظریه دوم کافی ست که شخص سعی در تحقق فساد داشته باشد اگرچه تحت عنوان محارب قرار نگیرد (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۶). دیدگاه دوم در ماده ۲۸۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ پذیرفته شده است.

در فقه مصادیق متعددی مانند «آتش زدن خانه و کاشانه» (طوسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ۲۳۱)، «عادت به قتل اهل ذمه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۳۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۳۰۳) و «قاچاق مواد مخدر» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ۱۱۳۰) ذکر شد است. ترساندن مردم از طریق سلاح از دیگر مصادیق افساد فی الارض است. از دید علامه حلی: «هرکس برای ترساندن مردم سلاح برکشد چه در خشکی یا دریا و چه در روز یا شب محارب است» (حلی،

۱۳۶۸، ۲۶۱). امام خمینی فقط فرموده در واقع، «محارب کسی است که به منظور ترساندن مردم و با قصد فساد در روی زمین سلاح بکشد یا آن را مهیا کند» (موسوی خمینی، ۳۹۰، ج ۲، ۴۹۲). به نظر مرحوم خوانساری نیز «محارب کسی است که جان و مال مردم را مورد حمله قرار می‌دهد» (خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۷، ۱۶۴). برخی نیز دزدیدن کفن را از مصادیق افساد فی الارض دانسته‌اند. شیخ مفید «ضمن اشاره به اینکه کفن دزد اگر معروف به این کار باشد و حاکم نتوانسته باشد او را تعزیر کند، کشته می‌شود اشاره‌ی به فساد فی الارض به عنوان محاربه کرده است و هیچ بحثی تحت عنوان افساد و مجازات آن نکرده است» (شیخ مفید، ۱۷۰، ۱۴۱۰). شیخ محمدحسن صاحب جواهر، افساد فی الارض را به تجرید سلاح تفسیر کرده است و در تعریف محارب چنین می‌فرماید: «و چنانکه از این عبارت پیدا است سعی در افساد فی الارض را همان تجرید سلاح معنی کرده و عین همین را محاربه با خدا و رسولش دانسته است و علت این امر آنست که محاربه با خدا و رسول در حقیقت همان محاربه با بندگان خدا است و محاربه با آنها از راه تجرید سلاح صورت می‌گیرد» (نجفی، ۱۳۹۵، ج ۴۱، ۵۷۰). موارد اشاره مهم‌ترین مصادیق افساد فی الارض است که فقها امامیه به آن اشاره کرده‌اند.

فقه‌های اهل سنت نیز به موضوع افساد فی الارض پرداخته‌اند اما به نظر می‌رسد که این بحث همان‌طوری که در فقه شیعه هم مشاهده می‌شود باب مستقلی ندارد و بیشتر در باب مربوط به محاربه و در توضیح آن به کار گرفته شده است. از دیدگاه مالکیه جایز است که مقدار تعزیر از مقدار مشخص شده برای جرم فراتر رود بلکه بالا بردن آن به اندازه مجازات قتل که در جهت برطرف

کردن فساد باشد را جایز دانسته‌اند و جایز می‌دانند که امام به هر اندازه که صلاح می‌داند آن را افزایش دهد حتی اگر از اندازه حد فراتر رود (جمال‌الدین، ۱۹۷۶، ۱۱۴۶). و این اعتقاد وجود دارد که اگر عنوان مجرمانه جنبه فساد داشته باشد و این فساد ادامه‌دار باشد پس مجازات آن قتل خواهد بود مگر آنکه مورد عفو واقع شود (محمی‌الدین عوض، ۱۹۷۶، ۴۴).

قاعده سد ذرائع از مبانی افساد فی الارض در مذاهب اهل سنت است. هدف از جرم‌انگاری افعال و مجازات چه از طرف شارع آسمانی و چه از طرف حاکم زمینی حفظ کیان جامعه اسلامی در همه جوانب و تأمین امنیت و ایجاد نظم و حفظ ارزش‌ها و مصالح جامعه از هر تجاوز یا خطر تجاوز است (محمی‌الدین عوض، ۱۹۷۶، ۵۱). این قاعده در میان کسانی که آن را پذیرفته‌اند با این ایده مطرح شد که باید با زمینه، اسباب و ابزار گناه مقابله کرد تا از وقوع آن‌ها جلوگیری شود (میرخلیلی، ۱۳۹۰، ۱۱۹). هدف از اینکه برخی افعال دارای عنوان مجرمانه هستند و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته می‌شود محافظت از جامعه اسلامی و شهروندان بوده و مصلحت این است که علیه خطرات و پیشگیری از وقوع جرم و از باب رعایت مصلحت، مجازات‌هایی در نظر گرفت و به نوعی جرم‌انگاری مصلحتی به وجود می‌آید. در فقه مالکی در مورد سد ذرائع، گاهی موضوع به نسبت امر مطرح شده به سمت سد و مانعیت تمایل دارد و گاهی به سمت فتح و گشایش، آن-چه که مقدمه آن فاسد است مطمئناً نتیجه آن هم فاسد خواهد بود و برعکس آن چه دارای مقدمه واجب و غیرفاسد هست نتیجه‌ای واجب به همراه خواهد داشت (سرغینی، ۱۴۱۷، ۲۸۷). به منظور پیشگیری از وقوع جرائم سنگین و از باب

۵-۲-۲. افساد فی الارض از دیدگاه حقوق کیفری

«افساد فی الارض» از عناوینی است که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ وارد قوانین جزایی گردید و از آنجاکه یک عنوان کاملاً فقهی است، موجب شده تا کمتر حقوقدانی نسبت به تعریف آن اقدام نماید هم چنین قابل ذکر است که تعاریفی که توسط علمای علم حقوق ارائه گردیده است به علت عدم تعریف دقیق این عنوان در کتب فقهی و قانونی خالی از اشکال نبوده و در این خصوص بیشتر نویسندگان به صورت گذرا و تنها با اشاره‌ای در چند سطر از کنار این عنوان گذشته‌اند با این وجود برخی از حقوقدانان پس از انقلاب در کتب خود بابتی را به این عنوان اختصاص داده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد در کتاب «بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض» در تعریف افساد فی الارض چنین آمده است: «به‌طور کلی کلمه فساد و مشتقات آن در ۵۰ مورد از قرآن به کار رفته است که هریک دارای مصداقی خاص هستند اما جامع بین همه آن‌ها همان خروج از اعتدال و به هم ریختن اعتدال و نظم طبیعی یا تشریعی هر چیزی است لذا مفسد کسی است که شیء را از حالت سلامت و صلاح بیرون ببرد و در رأس مفسدین، مفسدی قرار دارد که به منظور سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت برای مردم دست به اسلحه می‌برد و مقاتله و جنگ و قتل نظام صالح را که مقتضای ربوبیت خداوند است به مخاطره می‌اندازد اما فساد منحصر به محاربه نیست و خروج از اعتدال به هر کیفیتی و هر میزانی و با هر شیوه و وسیله‌ای که صورت بگیرد فساد تحقق می‌یابد بنابراین جرائمی مانند تشکیل باندهای فحشا و منکرات و ارتشاء و کلاهبرداری قاچاق مواد مخدر تحریک و تشویق

جلوگیری و ایجاد مانع و در اصطلاح ایجاد سد در مقابل مجموعه افعالی که در صورت وقوع، موقعیت و وضعیت حکومت را با خطر جدی مواجه می‌کند باید شرایط و ضوابطی را برای شهروندان در نظر گرفت تا بر عواقب و عقوبت این گونه افعال آگاهی داشته باشند.

از دیگر مبانی افساد فی الارض در فقه اهل سنت، قاعده درآ المفاسد اولی من جلب المصالح است. هرگاه بین مفسده و مصلحت تعارض به وجود آید، دفع مفسده ارجح است و مقدم بر مصلحت است (وزیری؛ سعیدیانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۲۳). در این نظر دفع افراد فاسد و از بین رفتن فساد که آن‌ها به وجود می‌آورند بسیار اهمیت دارد. به عبارتی دفع و از بین بردن فساد واجب است بنابراین، قاعده مجازات قتل حتی اگر در شمار حدود الهی هم قرار نگیرد ایجاد معذوریت نمی‌کند و حاکم جامعه از باب اختیاراتی که در تعزیر دارد می‌تواند در برخورد با مسائل جدید مانند تجارت مواد مخدر از مجازات اعدام استفاده نماید. البته باید در نظر داشت که در این موارد باید مفسده، بزرگ‌تر و بیشتر از مصلحت باشد یا اینکه حداقل با آن برابری نماید.

در متون فقهی جز در موارد محدودی، بحث خاصی به افساد اختصاص داده نشده، بلکه در لابه‌لای مباحث فقهی، گاه علت مجازات قتل برخی از مجرمان مفسد فی الارض بودن مرتکبان عنوان شده است. علی‌رغم آنکه موضوع افساد و مصادیق آن، مورد توجه برخی فقها و حقوقدانان قرار گرفته است، اما در هیچ یک از منابع موجود فقهی و حقوقی، بحث مبسوطی از مصادیق، گستره و ارکان جرم افساد به عمل نیامده است.

مردم به بی‌عفتی و هرزگی و امثالهم که همگی منجر به خروج از حالت اعتدال و میانه‌روی که حرکت به سوی خداست می‌شوند از مصادیق افساد فی‌الارض هستند» (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۱). در جای دیگری در همین اثر آمده است: «افساد در ارض اعم است و محاربه، اخص لیکن نه به آن معنا که فساد در ارض همه گناهان را شامل است بلکه به این معنا که تنها گناهانی را شامل می‌شود که دارای مفسده عمومی هستند از قبیل اشاعه فحشاء، ایجاد اغتشاش و بی‌نظمی قاچاق و شیوع مواد مخدر؛ مسائلی از این قبیل که محاربه یکی از مصادیق بارز آن است که میزان مجازات آن به دلیل رکن خاص مادی آن به طریق مذکور در آیه تعیین شده است» (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۳).

با دقت نظر در تعریف فوق این نتیجه حاصل می‌گردد که ظاهراً جمع بین تعریف لغوی و اصطلاحی عبارت مورد نظر صورت گرفته است. از دیگر موارد قابل ذکر در این تعریف می‌توان به عام بودن آن اشاره نمود به نحوی که هر عملی را شامل می‌شود. می‌توان گفت: «فساد در زمین قید دیگری است که در آیه وجود دارد فساد در زمین با توجه به قید زمین جنبه‌ی عمومی جرم را می‌رساند. هر معصیت و جرمی فساد است اما فساد در زمین نیست آن چه به‌عنوان مصادیق محاربه قبلاً نام برده شد و ناامن کردن راه‌ها و شهرها و اغتشاش در جامعه و سلب امنیت از مردم به وسیله قوای قهریه و سلاح همه از مصادیق آشکار فساد در ارض، مفسد فی‌الارض و محاربه است». این تعریف نیز جامع و مانع اغیار نمی‌باشد حتی می‌توان گفت که تعریفی از افساد فی‌الارض بیان نشده است. شاید بتوان از معنای این کلام رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق بین افساد فی‌الارض و محاربه را استخراج نمود. یکی

از نویسندگان دیگر افساد را این طور تعریف می‌کند «افساد فی‌الارض عبارت است از هرگونه رفتار آگاهانه و عمدی هرکس یا کسانی، برای برهم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی به‌قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن و یا علم به مؤثر بودن این رفتار در مقابله با آن (نعناکار، ۱۳۷۷، ۶۱). در این تعریف نیز نویسنده سعی کرده است که افساد را از مفهوم محاربه به طور مستقل تعریف کند ولی این تعریف نیز خالی از اشکال نیست، زیرا در آن تنها موردی که مرتکب را تحت عنوان افساد قرار می‌دهد قصد براندازی و ضربه زدن یا علم به مؤثر بودن آن می‌باشد که این نمی‌تواند کافی باشد چراکه این مورد در بسیاری از جرائم علیه امنیت نیز وجود دارد ولی فرد را تحت عنوان افساد فی‌الارض قرار نمی‌دهد.

در تعریف دیگری که دو نفر از اساتید حقوق جزا به نقل از کتاب نظری به قوانین جزایی اسلام در کتب خود آورده‌اند، چنین آمده است: «نباید مفهوم محارب و مفسد فی‌الارض را به یک معنی به کاربرد زیرا مراد از مفسد فی‌الارض کسی است که در جهت فاسد کردن دیگران تلاش و کوشش داشته و قصد ستیزه‌جویی، گردنکشی پیکار و محاربه با خدا و رسول خدا را دارد» (ولیدی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۲۴۷؛ شامبیاتی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۳۰). در خصوص تعریف مزبور اشاره به دو نکته ضروری است؛ یکی این که آن چیزی که از ظاهر تعریف بر می‌آید، صرف اشاره به فرق میان محاربه و افساد فی‌الارض است و دیگر این که بایان عبارت قصد پیکار و محاربه با خدا و رسول خدا را دارد»، این شبهه حادث می‌شود که این جرم فقط مربوط به زمان رسول خداست.

فقها این گروه از حقوقدانان افساد را به شکل- خاصی از جرائم علیه امنیت قلمداد نموده‌اند و آن را مترادف محاربه می‌دانند و افساد فی الارض را یک مفهوم عام می‌دانند که مصداق اصلی و بارز آن محاربه می‌باشد.

در هر حال با دقت در همه تعاریف، مزبور به وضوح روشن است که حقوقدانان هم نتوانسته‌اند تعریف منسجم و قابل قبولی از مفهوم «افساد فی الارض» ارائه نمایند و تقریباً معنایی مشابه به معنای فقها را عرضه کرده‌اند و یک احساس ناملموس یعنی احساس ناامنی و ترس در میان شهروندان از بزهکاری را ملاک قرار داده‌اند و حتی بعضی از نویسندگان هم قصد مقابله با حکومت و یا بر هم زدن امنیت کشور یا نظام اقتصادی آن را به تنهایی جهت صدق عنوان محارب و مفسد کافی دانسته‌اند (شکری، ۱۳۸۷، ۲۰۶). با توجه به آنچه فقها در مورد افساد بیان نموده‌اند و تعاریف حقوقدانان و با لحاظ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ می‌توان تعریف زیر را از افساد بیان نمود. «هر عمل مجرمانه‌ای که در حد وسیع ارتکاب یابد و با توجه به قوانین جزایی و عرف زمان و مکان جزء جرائم سنگین و بزرگ به شمار رود و در نتیجه باعث ایجاد اختلال شدید و گسترده در اوضاع سیاسی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی گردد مصداق افساد فی الارض شناخته می‌شود». هرچند این تعریف خالی از اشکال نیست ولی می‌تواند معیاری برای تعیین مصادیق افساد فی الارض باشد. بنابراین ضمن این‌که با این تحلیلات و تعاریف عنوان افساد فی الارض در عرصه مطالعات جرم‌شناسی با محوریت امنیت و ثبات در جامعه قرار می‌گیرد هر تهدیدی را هر چند ساده یا یکسری تهدیدهای

در همین حال برخی نویسندگان افساد را به عنوان جرم مستقل معرفی و درباره‌ی آن می‌نویسند: «افساد فی الارض عبارت است از هرگونه رفتار آگاهانه و عمدی هرکس یا کسانی برای بر هم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی به قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن» (محمدجعفری، ۱۳۸۱، ۷۰). در این تعریف «افساد فی الارض» به عنوان جرمی شناخته شده که به قصد ضربه زدن به نظام جامعه صورت می‌گیرد، بنابراین جرائمی می‌توانند تحت این ماهیت قرار گیرند که دارای ماهیتی دال براندازی و ضربه زدن به جامعه باشد و ارتکاب اعمال بدون این قصد از شمول این تعریف خارج است؛ البته این تعریف در ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ نیز عنوان شده بود با این تفاوت که تحقق عنوان مفسد بودن منوط به برهم زدن امنیت و سلامت در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

در میان حقوقدانان نیز برخی معتقدند که عبارت افساد فی الارض «دالت بر عنوان مجرمانه‌ی مشخصی ندارد و در تعریف و تبیین این مفهوم می‌نویسد: «...در اصطلاح فقه جزایی مترادف با محاربه می‌باشد و عنوان مجرمانه مشخص و مبین ندارد، به سخن دیگر، به هم ریختن اعتدال و نظم عادی جامعه و ایجاد فساد در زمین به منظور سلب امنیت و آسایش عمومی و ایجاد رعب و هراس برای مردم با استفاده از سلاح و مقاتله و جنگ افساد فی الارض است و تنها نوع منصوص و صریح مجرمانه آن محاربه می‌باشد» (ایمانی، ۱۳۸۶، ۸۱).

به نظر می‌رسد در مورد این تعریف کافی باشد که تنها به این نکته اشاره شود که مستفاد از کلام،

بزرگ را می‌توان در سطح ملی و اجتماعی بالا برد تا برخوردهای شدیدی با آن شود.

تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲ تفاوتی از حیث اعمال مجازات و نحوه اجرای آن مشخص نبود. چرا که در برخی از قوانین، قانون‌گذار عنوان «چنانچه محارب شناخته نشود» یا «مصدق محارب نباشد» را به کاربرده بود و در برخی دیگر از قوانین عنوان در صورتی که مصداق «مفسد فی‌الارض باشد» را استعمال کرده بود و مشخص نبود که آیا مجازات افساد فی‌الارض هم یکی از مجازات‌های چهارگانه به استناد آیه ۳۳ سوره مائده می‌باشد یا اینکه مجازات افساد فی‌الارض متفاوت از آن می‌باشد.

در این خصوص اداره حقوقی و قضایی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۹۱۱۱۵ مورخ ۱۳۷۷/۸/۷ چنین اعلام نظر نموده بود: «اگر در قوانین ذکر شود که مجازات فلان عمل مجازات مفسد فی‌الارض یا مجازات افساد فی‌الارض است، مجازات آن همان مجازات محاربه و افساد فی‌الارض است ولی اگر مجازات خاصی برای آن عمل بخصوص مثلاً اعدام ذکر شده باشد در این صورت معلوم می‌شود که نظر قانون‌گذار فساد که یکی از حدود است نیست و مجازات آن هم عنوان حد ندارد. بنابراین اگرچه در قانون مجازات اسلامی افساد فی‌الارض از حیث مجازات در ردیف محارب و مترادف با آن است ولی با توجه به اینکه در مواردی هم به غیر از این معنا استعمال شده و مجازات بخصوصی غیر از حد شرعی برای آن تعیین گردیده است اگر نگوییم که این استعمال مجازی است می‌توانیم بگوییم که نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص مطلق است یعنی افساد اعم از محاربه است».

قانون‌گذار قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به این اختلاف عقیده‌ها پایان داد و مجازات محاربه را حد محاربه تعیین کرد که انتخاب هر یک از امور چهارگانه با قاضی است ولی مجازات مفسد فی‌الارض چنانچه در حد گسترده و وسیع باشد اعدام بوده و بر طبق تبصره ماده ۲۸۶ «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلاف- گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار، جرم مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود» (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ج ۳، ۶۴).

ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلاف در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود».

مطابق تبصره ماده مورد اشاره «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود الف) رشاء و ارتشاء - ب) اختلاس - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری و...»

همان طور که ملاحظه می‌شود در این ماده قانون‌گذار یک سختگیری دیگری را نسبت به مرتکبان افساد فی الارض و محاربه در قیاس با سایر حدود که در مورد آن‌ها چنین مقرره‌ای وجود ندارد، مقرر نموده است. به این صورت که قاضی را مخیر کرده که در صورتی که موجب اخلاف در نظم یا امنیت نباشد، حکم محکومیت قطعی به افساد فی الارض را در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت چاپ کند.

۵-۳. مصادیق افساد فی الارض در جرائم اقتصادی

تاکنون این مسئله مشخص شد که می‌توان به افساد فی الارض به عنوان جرمی مستقل از محاربه نگاه کرد لیکن زمانی مجازات یک جرم مجازات افساد فی الارض خواهد بود که وسعت کلان داشته باشد پس از بیان مسائل فوق لازم است به بررسی و تحلیل ماده ۲ قانون اخلاف‌گران و نیز ماده ۲۸۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ پرداخت. مطابق مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ «هرگاه یکی از اعمال ذیل به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام اسلامی صورت گرفته باشد، چنانچه عمل مزبور در حد فساد فی الارض، باشد مرتکب به اعدام محکوم می‌شود». موارد مزبور عبارت‌اند از: «۱- اخلاف در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن. ۲- اخلاف در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا

نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن‌ها. ۳- اخلاف در نظام تولیدی کشور از طریق سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن یا رشاء و ارتشای عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها. ۴- هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد، قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌شود. ۵- وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلاف در نظام اقتصادی شود. ۶- اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلاف در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و...». وضوح بندهای ۱، ۲ و ۶ قانون مبارزه با اخلاف‌گران اقتصادی، در تلقی شدن جرم افساد به عنوان جرمی مستقل، به قدری است که هرگونه توضیحی پیرامون آن حاصلی جز اطاله کلام نخواهد داشت.

نفس اخلاف در نظام اقتصادی و جرم ارتشا مطابق ماده فوق‌الذکر نمی‌تواند موجب اعدام شخص شود بلکه گستردگی عمل شخص مجرم و قصد او مبنی بر ضربه زدن به نظام اسلامی به گونه‌ای عنوان مجرمانه شخص را تغییر می‌دهد و موجب

مجازات شدیدتر او از باب افساد فی الارض می‌شود و نه جرم ارتشای صرف.

توضیح این که برخی جرائم ممکن است جنبه-گسترده داشته باشند یا جنبه عمومی بیشتر در این موارد موضع قانون‌گذار برخورد شدیدتر است، در این مورد نیز چنانچه شخص با قصد ضربه زدن به نظام و با علم به مؤثر بودن و سایر شرایط مقرر اقدام به اخذ رشوه و در تولید کشور اخلاخل ایجاد کند ممکن است این امر منجر به حکم اعدام برای این شخص یا اشخاص شود.

در حقیقت جرم اولی شخص رشوه است و چنانچه این جرم به صورت عمده و گسترده محقق شود این امر موجب اخلاخل در نظام اقتصادی می‌شود که در ماده ۱ قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی کشور مورد جرم انگاری واقع شده است. حال چنانچه این اقدام گسترده و عمده شخص یا گروه و... به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران باشد یا با علم شخص به مؤثر بودن این اقدامات در مقابله باشد، اگر به حد افساد فی الارض برسد شخص می‌تواند به حکم دادگاه اعدام شود (باقر زاده، ۱۳۸۳، ۳۲).

بنابراین اخلاخل در نظام اقتصادی که عملیات وسیعی است و نظام اقتصادی کشور را دچار اخلاخل و خدشه کند مجازاتی جز افساد فی الارض در بر نخواهد داشت.

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز به همین نکته اشاره کرده و اخلاخل در نظام اقتصادی کشور را در صورتی که در حد وسیع انجام شود موجب اعمال مجازات مفسد فی الارض می‌داند و در این امر با یکدیگر مشابهت دارند.

با بررسی جایگاه این ماده در قانون مجازات می‌توان به این نکته پی برد که ماده مزبور در فصل نهم که به مفهوم بغی و افساد فی الارض اشاره دارد مطرح شده و عنوان محاربه در فصل هشتم این قانون مذکور گردیده است لذا قانون‌گذار در این ماده قصد داشته مجازاتی مستقل برای افساد فی الارض و مصادیق آن پیش‌بینی کند و گمانه زنی‌ها در خصوص محاربه دانستن اخلاخل در نظام اقتصادی را پایان دهد.

ماده ۲۸۶ قانون یاد شده اشاره می‌کند که «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاخل در نظام اقتصادی کشور و... در حد وسیع شود مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود». بنابراین مفهوم گستردگی و وسیع بودن این جرائم در ماده یادشده موجب حکم اعدام می‌شود و تشخیص این امر با قاضی است و در حقیقت این امر یک مسئله قضایی است مادامی که رشوه اخلاخل در نظام اقتصادی تلقی‌گردد و به قصد مقابله باشد می‌تواند به حکم اعدام بی‌انجامد»، و این نکته یعنی واگذاری تشخیص گستردگی میزان جرم بر ذمه قاضی در تبصره یک ماده یک قانون مجازات اخلاخلگران نیز مطرح شده است. مطابق این تبصره: «قاضی ذی‌صلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سو استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذی‌ربط را نیز جلب نماید».

لذا با توجه به آن چه در خصوص این دو ماده بیان شد نباید قائل به نسخ قانون مجازات اخلاخل گران شد بلکه قانون مجازات اسلامی جدید نیز درصدد تأکید و تأیید جرائم موجب اخلاخل در نظام اقتصادی بوده و سعی در پیش‌بینی مجازات اعدام برای اخلاخل گران به عنوان مفسد فی الارض داشته است.

واقعیت امر این است که جرائم اقتصادی موجب اخلاخل و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود (ولیدی، ۱۳۸۶، ۸۱). برحسب اهمیت اخلاخل در نظام اقتصادی و تهدید آن برای کلیت نظام است که در مواردی افساد فی الارض تلقی می‌شود. مطابق ماده ۴ قانون تشدید ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ «در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود و همین طور در قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۷ در ماده ۲ آمده چنانچه جرائم مذکور در ماده ۱ به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم می‌شود».

البته در رویکرد دیگر می‌توان گفت صرف نظر از جرائم دسته‌بندی شده در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، عنصر رفتاری متهم به ارتکاب افساد فی الارض، همان رفتار اخلاخل کلان در نظام اقتصادی است که در قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۷ به آن‌ها تصریح شده است. همچنین برای شمول عنوان مفسد فی الارض تنها تحقق نتیجه مذکور در ماده ۲۸۶ کفایت می‌کند، چرا که قانون‌گذار پیش از این

رفتارهایی که از طریق جرم اخلاخل در نظام اقتصادی مشمول عنوان افساد فی الارض قرار می‌گرفت را در قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی مورد جرم انگاری قرار داده و برای آن مجازات افساد فی الارض را تعیین نموده است. اکنون با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، دادرس دادگاه برای احراز تحقق افساد فی الارض، فارغ از رکن مادی و رفتار مجرمانه مذکور در این ماده، تنها نیازمند احراز عنصر نتیجه مذکور در انتهای ماده ۲۸۶ در پی ارتکاب جرم اخلاخل کلان در نظام اقتصادی است.

با این وجود فارغ از ارکان جرم اخلاخل در نظام اقتصادی در قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی کشور، به نظر تطابق رفتارهای مجرمانه با ماده ۲۸۶ لازم است، چراکه قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ در مقام توسعه و توضیح تعاریف جرائم خاص سابق بوده است و اکنون با تصویب این قانون، برای شمول حد افساد فی الارض بر مرتکب، احراز رکن مادی و روانی مذکور در متن ماده لازم است. به دیگر عبارت، قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی به تبیین رفتار مجرمانه حد افساد فی الارض پرداخته و از این پس صرفاً در صورتی که رفتار مجرمانه منطبق با افعال مذکور در صدر ماده ۲۸۶ باشد و نتایج مذکور در آن پدید آید، عمل مرتکب مشمول حد افساد فی الارض خواهد شد. بنابراین دادرس دادگاه می‌بایست در مقام رسیدگی، افزون بر عناصر مادی و روانی جرم اخلاخل کلان در نظام اقتصادی کشور، عناصر مادی و روانی مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را نیز احراز کند (برهانی، ۱۳۹۴، ۲۲۱). به نظر می‌رسد رویکرد اخیر تفسیری همسو با موازین حقوقی و مطابق با اصل قانونی بودن جرم

و مجازات ارائه می‌دهد. نکته قابل‌ذکری که در این مبحث باید به آن اشاره کرد، آن است که قانون‌گذار با ذکر عباراتی هم‌چون «به قصد ضربه زدن به نظام» یا «به قصد مقابله به نظام» و یا «علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله به نظام»، این‌گونه به نظر می‌رسد که تحقق این انگیزه‌ها را برای افساد فی‌الارض محسوب شدن جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور لازم می‌داند (سمیعی، ۱۳۹۵، ۳۹). عنوان افساد فی‌الارض آن گونه که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ بیان شده صرفاً شامل اقداماتی است که جنبه فساد در سطح گسترده و عمومی داشته و باعث اخلال در نظم عمومی گردد.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سوال پرداخته شد که افساد فی‌الارض از منظر فقهی و حقوقی چگونه قابل تبیین است و آیا اساساً امکان تلقی جرائم اقتصادی در قالب افساد فی‌الارض وجود دارد؟ نتایج نشان داد در فقه فساد فی‌الارض مفهوم مستقلی از محاربه داشته و فقها مواردی چون آتش زدن خانه و کاشانه، عادت به قتل اهل ذمه و قاچاق مواد مخدر را از مصادیق آن برشمرده‌اند. یکی از مصادیق افساد، اختلال در نظام است. به عبارتی یکی از ضروریات مسلم و واجبات مهم در اسلام، حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. گرچه فقه‌ها به طور مستقل درباره این مسئله بحث نکرده‌اند، ولی از سخنان آنان در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه از مسلمات فقه است و آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، ممنوع است و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است. نظام، مجموع سامانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و

ارزشها و باورهای جامعه‌ای است که ساختار آن بر نظام استوار است. مراد از حفظ نظام اسلامی مراعات کردن امور و ترتیباتی است که در صورت نقض جامعه دچار هرج و مرج شده و نظام اقتصادی و معیشتی مردم مختل شود. از منظر حقوقی نیز نتایج بیانگر این امر است که قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ قصد داشته مجازاتی مستقل برای افساد فی‌الارض و مصادیق آن پیش‌بینی کند. می‌توان گفت «جرم افساد اقداماتی است که موجب فساد گسترده‌ای در جامعه شده یا به دفعات تکرار شده باشد». مطابق قانون مبارزه با اخلاک‌گران مصوب ۱۳۶۹ مواردی از فعالیت‌های اقتصادی در صورت انجام به میزان عمده و کلان از مصادیق افساد فی‌الارض است. اما مهمترین ایراد وارده به قانون مورد اشاره این است که مفاهیم عمده و کلان بسیار کلی بوده و معیاری برای تعیین آن در اختیار نیست یا دست کم از سوی قانون‌گذار تعریف نشده است. پیشنهاد می‌شود به جهت پویایی اقتصاد و جلوگیری از فرار سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و همچنین عدم سوءاستفاده مجرمان اقتصادی، قانون‌گذار در ماده واحده‌ای نسبت به بیان دقیق ارکان و ویژگی‌ها جرائم اقتصادی واجد عنوان افساد فی‌الارض بدون تحدید مصادیق آن اقدام نماید.

منابع

فارسی

قوانین ایران و اسناد اروپایی»، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، شماره چهارم، ۱۴۰۱.

– شکری، رضا؛ سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی کنونی، چاپ هفتم، تهران، نشر خط سوم، ۱۳۸۷.

– صمدی، علی؛ آماره، جواد، «جرائم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی»، مجله جستارهای اقتصادی، شماره چهاردهم، ۱۳۸۹.

– عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، جلد دوم، چاپ سوم، انتشاراتی مرکز فرهنگی منیر، ۱۴۰۰.

– عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.

– قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

– گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ چهارم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۷.

– محمد جعفری، فاطمه، «بررسی محاربه و افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ۱۳۸۱.

– مکارم شیرازی، ناصر، گنجینه آرای فقهی- قضایی، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱.

– میرخلیلی، سید محمود؛ حیدری، مسعود، «بررسی مبانی فقهی اعدام مجرمان اقتصادی»، مجله فقه مقارن، شماره چهاردهم، ۱۳۹۸.

– ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات نامه ی هستی، ۱۳۸۶.

– باقر زاده، احد، جرائم اقتصادی و پول شویی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.

– برهانی، محسن، «افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره دوم و سوم، ۱۳۹۴.

– حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

– رحمتی، اعظم، «بررسی فقهی-حقوقی جرم اقتصادی (اختلاس)»، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی خراسان شمالی، شماره هشتم، ۱۳۹۴.

– سمیعی زنوز، حسین، «اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق کیفری ایران»، آموزه های حقوق کیفری، شماره یازدهم، ۱۳۹۵.

– شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۱.

– شعبانی، مهدی؛ حاجی تبار، حسن؛ اسماعیلی، مهدی، «جرائم اقتصادی در فقه و

- میرخلیلی، محمود، «سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی»، مجله حقوق اسلامی، شماره سی و یکم، ۱۳۹۰.
 - میر محمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، جلد سوم، چاپ بیست و چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
 - نجفی، سینا، «رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور»، مجله مطالعات نوین بانکی، شماره چهارم، ۱۳۹۸.
 - نعنّا کار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، چاپ اول، تهران، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷.
 - وزیری، مجید؛ سعیدیانی، نورالدین، «قاعده درآ المفاصد اولى من جلب المصالح و تاثيرات آن بر فقه اسلامی»، نشریه فقه مقارن، شماره نهم، ۱۳۹۶.
 - ولیدی، محمد صالح؛ حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.
- عربی**
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
 - جمال‌الدین، عبدالواحد، «الشرعیة بین القانون و الشریعة الاسلامیة»، المجلد التاسع عشر، الجنائیة القومیة، ۱۹۷۶.
 - حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، جلد ششم، بیروت، انتشارات دارالعلوم، ۱۴۰۹.
 - حلی، حسن بن یوسف، تبصرة المتعلمین فی الاحکام، جلد دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۸.
 - خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، جلد هفتم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲.
 - سرغینی، عزیز، «بحوث تمهیدیة مقدمة إلى دار الحديث الحسنية»، سد الذرائع فی ضوء أصول المذهب المالکی، علوم قرآن و حدیث، دارالحديث الحسنية، ۱۴۱۷.
 - شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بن المعلم، المقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰.
 - طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، جلد دهم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، ۱۴۱۰.
 - کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، جلد هفتم، قم، دار الحديث، ۱۴۰۷.
 - محیی الدین عوض، محمد، «تقاریر الحلقة نحو توحید القوانين الجنائیة فی البلاد العربیة»، المجلد التاسع عشر، الجنائیة القومیة، ۱۹۷۶.
 - مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیة هامة، جلد سوم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۲.
 - موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، در المنزود فی أحكام الحدود، جلد سوم، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲.

- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، النجف الأشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰.
- نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ سوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۵.

